

۱۳۹۲/۵/۱۸



سرمه برف

میداد آرزو

محمد فرهادی



نگار و اشعار
Rashadin Publication

سرشناسه : فرهادی، محمد، ۱۳۴۱ -
 عنوان و نام : سرمه برف / مولف محمد فرهادی.
 پدیدآور :
 مشخصات نشر : تهران : انتشارات راشدین، ۱۳۹۴.
 مشخصات : ۱۴۶ ص.
 ظاهری :
 شابک : ۸۰۰۰۰ ریل 9-209-361-600-978:
 وضعیت فهرست : فیبا
 نویسی :
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع : نثر فارسی -- قرن ۱۴
 رده بند کنگره : PIR ۸۳۵۶ ۱۳۹۴ ۴ س ۸۸۶ ر/
 رده بندی دیویی : ۸۱۴۱ / ۶۲
 شماره : ۳۹۰۲۸۸۳
 کتابشناسی مل



■ انتشارات راشدین

■ عنوان کتاب:

سرمه برف

■ پدیدآورنده:

محمد فرهادی

■ نظارت کیفی:

راهب عارف

■ نظارت فنی:

محمد معین سارفی

■ صفحه آرا و طراح جلد:

افسانه حسن بیگی

■ چاپ و صحافی:

ناژو

■ نوبت چاپ:

اول-۱۳۹۴

■ شمارگان:

۱۰۰۰

■ شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۳۶۱-۲۰۹-۹

■ قیمت:

۸۰۰۰۰ ریال

■ نشانی:

میدان انقلاب - کارگر جنوبی - کوچه گشتاس - پلاک ۴ واحد ۶

■ تلفن / نمابر:

۶۶۴۰۸۲۲۴ - ۶۶۱۲۳۴۴۹

■ پایگاه اینترنتی:

www.rashedin.info

■ پست الکترونیک:

Email: rashed1829@yahoo.Com

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

فهرست مطالب

۹	 مقدمه
۱۱	 دفتر نخست
۱۳	 آهنگ محمد
۱۴	 رحمه للعالمین
۱۵	 علی (شاه مردان)
۱۶	 مولود کعبه
۱۷	 یا ام ایها
۱۸	 جمعه‌ها
۱۹	 مقتدای بی کسان
۲۰	 شوق زیارت
۲۱	 تو می‌آیی
۲۲	 دفتر دوم، سوگها و اندوه‌ها
۲۳	 در سوگ ارتحال بنیانگذار کبیر انقلاب - شربت بام خمینی (ره)
۲۴	 به یاد شهیدان جزیره مجنون
۲۵	 در فراق پدر
۲۶	 تسلیت به استادم جناب دکتر اشراقی در سوگ برادرش
۲۷	 بهار رفت
۲۸	 دفتر سوم، حکایت عاشورا
۲۹	 شب امتحان
۳۴	 دفتر چهارم، ستایش‌ها و سپاس‌ها
۳۷	 مادر
۳۸	 پدر
۳۹	 معلم

۴۰	صدای پای آبی
۴۱	تقدیم به عبد صالح خدا سید مصطفی میر ستوده
۴۲	تقدیم به چهره ماندگار تاریخ ایران زمین علامه فرزانه جناب آقای دکتر شعبانی صمغ آبادی
۴۳	تقدیم به استاد عالیقدر جناب آقای دکتر احسان اشراقی
۴۴	تقدیم به استاد عالیقدر جناب آقای دکتر خلعتبری
۴۵	تقدیم به استاد گرامی جناب آقای دکتر حسنی
۴۶	تقدیم به استاد عزیز جناب آقای دکتر قباد منصور بخت
۴۷	تقدیم به برادر عالیقدرم جناب مهندس نادر عطایی
۴۸	تقدیم به برادر عزیزم جناب آقای دکتر غلامرضا عطایی
۴۹	دفتر پنجم، حکایت بلبل و مرغک
۵۳	دفتر ششم، دل گویه‌ها
۵۴	جام صبر
۵۵	قاصدکا
۵۶	گدایی
۵۷	مر مر چشمات
۵۸	بیخبری
۵۹	او می‌آید
۶۰	آفتاب مهربونی
۶۱	امام رضا
۶۲	دوست داشتن
۶۳	افسوس
۶۴	پرستوی عاشق
۶۵	قوی اشک
۶۶	خواب تیره

- ۶۷ زخم ایام
- ۶۸ دل شکسته
- ۶۹ سخن تازه
- ۷۱ آئینه‌ی عشق زلال
- ۷۲ گلبرگهای زخمی
- ۷۳ دشت سترون
- ۷۴ خواب‌های صیقلین
- ۷۶ هندسه اندوه
- ۷۸ آمدنت
- ۷۹ در سوگ عاطفه
- ۸۰ شیون
- ۸۱ شعله‌های شقایق
- ۸۲ زندگی
- ۸۳ میلادت
- ۸۴ شهید
- ۸۶ باغ دیدگان
- ۸۷ عشق شور خیز
- ۸۸ یاد تو
- ۹۰ هوایت
- ۹۱ رنج ناگهان
- ۹۴ سایه روح
- ۹۵ دل تنگ می‌شوم
- ۹۶ احراق عشق
- ۹۷ بالهای چشم تو

۹۸	یادت بخیر
۹۹	جام سوگند
۱۰۰	بیگانگی
۱۰۱	شقایق تنها
۱۰۲	سمینار مردانگی
۱۰۴	به تو معتادم
۱۰۵	لبخند گل
۱۰۶	عشق یعنی
۱۰۸	قبیله نور
۱۱۰	شبی بارانی
۱۱۱	تیشه فرهاد
۱۱۲	آه
۱۱۳	تور عشق
۱۱۵	شام زندگانی
۱۱۶	حرمان
۱۱۷	نوبت پرواز
۱۱۹	خواب ناز
۱۲۱	فرات بیقرارها
۱۲۲	فکر فراق
۱۲۳	ایام جوانی
۱۲۴	خانه دوست
۱۲۵	حس تو
۱۲۶	فصل خضاب
۱۲۷	شبهای مهتابی

۱۲۸	منم
۱۲۹	سفر
۱۳۱	انتشار عشق
۱۳۲	درمان عشق
۱۳۳	میان شقایق‌ها
۱۳۴	(دفتر هفتم) روزهای گم شده
۱۴۲	در باران دویدن
۱۴۳	شهادت
۱۴۴	شهود
۱۴۵	دیر آمدی

مقدمه

ایران، سرزمین من آنچنان با شکوه و شگفت است که دل هر تماشا گری با دیدن زیبایی های آن می لرزد و بی اختیار زبان به ستایش می گشاید، مهتاب و آفتاب ایران چنان است که ایرانیان را به سوی سرود و ترانه می کشاند. از این رو، میتوان گفت، گرایش به سرودن در همه ی مردم این سرزمین به چشم می خورد و من نیز یکی از این بسیار مردمی که از خردسالی، گویشم با سخنان دلاویز خو گرفت و هر سخن آهنگینی گوشه ای از شان دلم را آراست، بویژه آن هنگام که پدرم مرا با نخستین کتاب زندگیم یعنی گلستان سیخ اجل سعدی آشنا نمود و پیش از پای نهادن در مدرسه، واژه واژه آن را با سبک به تمام به من نیوشاند و من با دلبستگی به سعدی برآمدم، اینگونه شد که هر گاه سخنی آهنگین را از ژرفای جانم می شنیدم، بر سینه کاغذ می نشاندم و با شوری بسیار برای احسان آموزگارم می خواندم و او دستان کوچک مرا با دو دستش می گرفت و به چپ مانم خیره می شد و می گفت احسنت، او هر از گاهی مرا میان دوستانش در حوزه علمیه شهر میبرد و از من میخواست اشعاری را که از حفظ داشتم بخوانم، هنگامی که به سال پنجم

دبستان رسیده بودم و مانند هر سال در برپایی جشن عید غدیر به پدرم کمک می کردم نخستین بیت زندگیم را سرودم:

«عید غدیر است به به علی وزیر است به به»

و چنین شد که سرودن با من برآمد و بالید و هم چنان هست. سالهای پس از آن در میانه همراه شعبان زبان به سرودن گشودم و بسیاری از زمزمه هایم خطاب به نجات بخش واپسین، مهدی موعود(ع) یادگار آن روزها است و همچنین است حکایت سروده شاه مردان علی (ع)، این کشش درونی مرا داشت تا وارد دانشکده ادبیات و زبانهای شرقیه دانشگاه علامه طباطبائی شوم و پای سخن آموزگاران برجسته ی آن روزگار و البته امروز، زانو بزنم، هنوز صدای مخملین استاد دکتر شمیس و طنین بیان با شکوه استاد دکتر کزازی را از ورای گذشت سالهای بسیار می شنوم و حس می کنم و دریغ است در این گفتار از آموزگاران برجسته دیگری که خاک راهشان شفای دیدگانم بود یاد می کنم: گرامیان، دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر دادبه، دکتر دانش پژوه، دکتر تمیم داری، دکتر حسین، دکتر مسگر نژاد، دکتر واعظ و سرکار خانم دکتر معین که هر کجا هستند دست در میان ایزد توانا یاریگرشان باد، دنیای زیبای ادبیات فارسی مانند بوستانی است که در هر سری آن بوی گلی به مشام میرسد و هرگز نمی توان یکی را از دیگری برتر دانست و در هر سبکی از خراسانی گرفته تا نیمایی، همه ی چهره ها با شکوه و بی همانند و من دلباخته تک تک این گلهای مینوی ام و شاید از همین رو است که به سبکهای کهن با وجود دیرینگی بسیار، به اندازه سبک نیمایی و پس از آن کشش دارم، وای بسا برای پیشگیری از گسست بسیار بین ادبیات کهن این سرزمین، با فرزندان امروز ایران و آنانی که فرداها بر خواهند آمد، سخن گفتن با آهنگ گذشتگان را خالی از فایده

نمیدانم و شاید در دفترهای آینده، چنانچه بودم، در هوای آن روزگاران پر باز کنم. به هر روی در دفتر پیش روی سروده ها نه بر بنیاد اسلوب سخن، بلکه بر بنیاد درون مایه گرد آمده اند و امیدوارم که دیده و دل خوانندگان گرمی از خواندن این دفتر خراش بر ندارد و به فراخی گراید. اینجانب نیز پیشاپیش، بابت کاستی و لغزشها از یکایک بزرگواران بویژه شهسواران ادب فارسی پوزش می خواهم.

